

The Role of Social Intelligence in the Relationship between Value System and Criminal Thinking (Case Study: Teenagers from Families Covered by Support Institutions)

Received: 22, March, 2022

Accepted: 25, April, 2022

Article type: Research Article

PP: 155-180

DOR:

Ismail Chehreh-Azad

MA in Family Counseling,
Faculty of Social and Human
Sciences, Ardakan University,
Ardakan, Iran. Email:
f.chehrezad@yahoo.com

Yaser Rezapour Mirsaleh

Associate Professor in
Counseling Department, Faculty
of Social Sciences and
Humanities, Ardakan University,
Ardakan, Iran (Corresponding
Author). Email:
y.rezapour@ardakan.ac.ir

Azadeh Chobforeshzadeh

Associate Professor, Department
of Psychology, Faculty of Social
and Human Sciences, Ardakan
University, Ardakan, Iran. Email:
azadechoobforoush@ardakan.ac.ir

Amir Hashemi

Master of School Counseling,
Faculty of Social Sciences and
Humanities, Ardakan University,
Ardakan, Iran. Email:
amir.hashemi7492@gmail.com

Abstract

Background and objectives: Many of the norm-breaking behaviors that occur in teenagers are rooted in their false beliefs and criminal thinking; therefore, by examining the factors affecting criminal thinking, we can try to reduce these behaviors. The aim of the present study was to find the mediating role of social intelligence in the relationship between value system and criminal thinking.

Method: In terms of its objectives this study is of an applied research type and in terms of method, it is considered as a descriptive and correlational study and structural equations modeling. The statistical population included all high school boys and girls of the second grade of families covered by support institutions (Relief and Welfare Committee) who were studying in Qala Ganj city in the academic year of 1997-1998. Among these, 319 individuals were selected to participate in the research through convenient sampling. The data were collected using criminal thinking questionnaires, Tromsø social intelligence and Schwartz's value system and were analyzed using the structural equation analysis method with the help of AMOS and SPSS software version 24.

Findings: The research findings showed that the value system had a positive effect on the social intelligence ($p < 0.001$, $\beta = 0.48$) of the research participants. Both social intelligence ($p < 0.001$, $\beta = -0.69$) and value system ($p < 0.001$, $\beta = -0.47$) had a negative effect on criminal thinking. Also, the fit indices showed that the default model has a good fit and social intelligence plays a mediating role in the relationship between value system and criminal thinking.

Results: Based on the findings, it can be concluded that social intelligence, along with the value system, is an effective factor in reducing criminal thinking. Therefore, by strengthening the value system and social intelligence of teenagers by using cultural and educational programs organized by support institutions, it is possible to prevent the emergence of criminal thinking and, as a result, the tendency to delinquent behavior in them.

Keywords: Social intelligence, Value system, Criminal thinking, Support institutions.

نقش هوش اجتماعی در ارتباط بین نظام ارزشی و تفکر جنایی (مورد مطالعه: نوجوانان خانواده‌های تحت پوشش نهادهای حمایتی)

دریافت: 1401/01/02

پذیرش: 1401/02/05

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

صص: 180-155

شناسه دیجیتال (DOR):

DOR:

اسماعیل چهره‌آزاد

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه:

f.chehreazad@yahoo.com

یاسر رضاپور میر صالح

دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه:

y.rezapour@ardakan.ac.ir

آزاده چوب‌فروش زاده

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه:

azadechoobforoush@ardakan.ac.ir

امیر هاشمی

کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. رایانامه:

amir.hashemi7492@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: بسیاری از رفتارهای هنجارشکنی که در نوجوانان بروز می‌کند، ریشه در باورهای نادرست و تفکر جنایی آن‌ها دارد؛ بنابراین با بررسی عوامل مؤثر بر تفکر جنایی، می‌توان در جهت کاهش این رفتارها کوشید. هدف پژوهش حاضر دستیابی به میزان نقش میانجی هوش اجتماعی در ارتباط بین نظام ارزشی و تفکر جنایی بود.

روش: این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری بود؛ جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوره دوم خانواده‌های تحت پوشش نهادهای حمایتی (کمیته امداد و بهزیستی) بود که در سال تحصیلی 97-98 در شهرستان قلعه گنج مشغول به تحصیل بودند؛ از این بین 319 نفر به صورت نمونه‌گیری در دسترس برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های تفکر جنایی، هوش اجتماعی ترومسو و نظام ارزشی شوارتز جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری با کمک نسخه 24 نرم‌افزار AMOS و SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که نظام ارزش تأثیر مثبتی بر هوش اجتماعی ($\beta=0/48, p<0/001$) شرکت‌کنندگان پژوهش داشته است. هوش اجتماعی ($p<0/001$)، ($\beta=-0/69$) و نظام ارزشی ($p<0/001, \beta=-0/47$) هر دو تأثیر منفی بر تفکر جنایی داشتند. همچنین شاخص‌های برازش نشان داد که مدل پیش‌فرض از برازش مناسب برخوردار است و هوش اجتماعی نقش میانجی را در ارتباط بین نظام ارزشی و تفکر جنایی ایفا می‌کند. **نتیجه‌گیری:** براساس یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که هوش اجتماعی در کنار نظام ارزشی، عاملی مؤثر در کاهش تفکر جنایی است؛ بنابراین با تقویت نظام ارزشی و هوش اجتماعی نوجوان با استفاده از برنامه‌های فرهنگی و تربیتی که توسط نهادهای حمایتی برگزار می‌شود، می‌توان از بروز تفکر جنایی و در نتیجه از گرایش به رفتارهای بزهکارانه در آن‌ها جلوگیری کرد.

کلیدواژه‌ها: هوش اجتماعی، نظام ارزشی، تفکر جنایی، نهادهای حمایتی.

دوران نوجوانی، یک دوره حساس در زندگی فرد به‌شمار می‌آید و مطالعهٔ معضلات و چالش‌های این دوره بسیار حائز اهمیت است؛ وجود رفتارهای ناهنجار و آسیب‌زا یکی از معضلات مهم دورهٔ نوجوانی است. از عوامل مؤثر در رفتارهای ناهنجار در نوجوانان، تفکر جنایی است که عبارت است از سبک‌های تفکر خاص که احتمالاً منجر به ایجاد و حفظ سبک زندگی جنایتکارانه می‌شود. به‌طور طبیعی، رابطه‌ای اساسی بین اختلالات روانی، تفکر مجرمانه و رفتار غیرقانونی مشاهده شده است (والترز^۱، 2007، ص 372)؛ بسیاری از رفتارهای هنجارشکنی که توسط افراد صورت می‌گیرد، ریشه در باورهای نادرست و تفکر جنایی آن‌ها دارد؛ افراد با این سبک تفکر، رفتارشان را توجیه کرده و به‌جای آن که مسئولیت رفتارشان را بپذیرند، خود را قربانی وانمود می‌کنند (هیوگز^۲، 2009، ص 86). نوجوانان ممکن است به‌دلیل تمایلی که به گروه‌های هم‌سن و انجام رفتارهای پرخطر دارند، مستعد‌گرایش به تفکر جنایی باشند. این گرایش در نوجوانان خانواده‌های کم‌درآمد به‌علت زندگی در حاشیه شهرها و قرارگیری در محیط‌های تربیتی نامناسب ممکن است بیشتر هم باشد؛ بنابراین، بایستی به دنبال عواملی بود که یک نوجوان را از گرایش به تفکر جنایی و رفتارهای بزهکارانه، حتی علی‌رغم زندگی در یک محیط نامناسب، مصون بدارد. نظام ارزش و هوش اجتماعی دو عاملی هستند که فرض می‌شود می‌تواند در جلوگیری از گرایش نوجوان به تفکر جنایی مؤثر باشد.

ارزش‌ها مجموعه‌ای از عقاید و نگرش‌هایی هستند که فرد در فرایند جامعه‌پذیری آن‌ها را به‌دست می‌آورد و براساس آن خود را با قواعد و هنجارها هماهنگ می‌سازد (روحانی، ۱۳۹۱، ص ۵). زمانی که نظام ارزش بر باورهای فرد حکم‌فرما باشد، دیگر جایی برای یک نظام باور متناقض با آن مانند تفکر جنایی وجود ندارد (والترز، 2002، ص 52). به‌عبارتی دیگر، ارزش‌های فردی و اجتماعی و دینی نقطهٔ متقابل تفکر جنایی هستند و هر جایی که ارزش و یک

1- Walters
2- Hughes

زندگی ارزشی وجود داشته باشد، جایی برای تفکر جنایی نیست؛ بنابراین انتظار اینکه تقویت نظام ارزشی باعث کاهش گرایش نوجوان به تفکر جنایی شود دور از انتظار نیست.

هوش اجتماعی نیز به آگاهی مشتاقانه از ارزش ارتباطات اجتماعی، توانایی نگاه کردن به دیدگاه‌های دیگران و ظرفیت برقراری روابط رضایت بخش اشاره دارد (زاترا، ولاسکو و گالاردو^۱، ۲۰۱۵، ص ۲۶۵). هوش اجتماعی بستر رشد و پیدایی مسئولیت اجتماعی است (ربیعی، مدبری و محمودی، ۱۳۹۹، ص ۳۱)؛ مسئولیت اجتماعی همان مؤلفه‌ای است که در افراد با تفکر جنایی بسیار کم‌رنگ است؛ چراکه این افراد معمولاً برای رسیدن به خواسته‌های خود حقوق و منزلت دیگران را زیر پا می‌گذارند و برای آن‌ها ارزشی قائل نیستند. از طرفی، نوجوانی که هوش اجتماعی داشته باشد، از پیامدهای منفی اجتماعی که رفتارهای بزهکارانه و تفکر جنایی برای او به همراه دارد آگاه است و در نتیجه کمتر درگیر تفکر جنایی می‌شود.

آماری از میزان گرایش به بزهکاری نوجوانان خانواده‌های کم‌درآمد وجود ندارد، اما شواهد نشان می‌دهد فقر اقتصادی خانوادگی با گرایش به بزهکاری رابطه مستقیمی دارد (اسکندری چراتی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۷). در صورت تأیید مدل پیش فرض ارائه شده در این مطالعه، می‌توان مداخلات روان‌شناختی جهت پیشگیری از تفکر جنایی و گرایش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان خانواده‌های کم‌براساس تقویت متغیرهای نظام ارزشی و هوش اجتماعی طراحی کرد؛ بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال بود که هوش اجتماعی نقش میانجی معنی‌داری در ارتباط بین نظام ارزشی و تفکر جنایی دارد؟

پیشینه و مبانی نظری

مظفری، روشن‌قیاس و بلباسی (1398)، در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه بین مدیریت بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی ناهنجاری اجتماعی در

1- Zautra, Gallardo & Velasco

بزهکاری نوجوانان شهر قزوین» به این نتیجه رسیدند که کاهش در روابط بین خانواده و دوستان، نگرش مثبت نوجوانان به جرم و وجود همدستان مشکل‌دار، شرایط را برای بی‌نظمی و ناهنجاری اجتماعی فراهم نموده، که زمینه بی‌سازمانی اجتماعی و بزهکاری نوجوانان را مهیا می‌کند. ربیعی، مدبری و محمودی (1399) در تحقیق خود با موضوع «تدوین مدل ارتباطی هوش اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان ورزشکار دانشگاه علوم انتظامی امین)» به این نتیجه رسیدند که هوش اجتماعی به‌عنوان مؤلفه مهمی از سرمایه انسانی بر ابعاد اخلاقی، اقتصادی و قانونی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان فراجا، بسیار اثرگذار است. رضادوست، زکوی و عسکری (1400) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: ساکنان ناحیه 2 شهر اهواز)» به این نتیجه رسیدند که فراهم‌نمودن مؤلفه‌هایی همچون اعتماد اجتماعی، بهبودی در کیفیت و اوضاع فیزیکی - اجتماعی شهر و همچنین توجه و تأکید بیشتر بر امنیت زنان می‌تواند احساس امنیت اجتماعی را بین شهروندان به مراتب افزایش داد.

فیکس و فیکس¹ (2015) در تحقیق خود با عنوان «خصلت روانی، هوش هیجانی و تفکر جنایی: پیش‌بینی رفتار غیرقانونی در بین دانشجویان» به این نتیجه رسیدند که تفکر مجرمانه می‌تواند پیش‌بینی خوبی برای رفتارهای غیرقانونی و مجرمانه باشد. کونتراس و کانو² (2016) نوجوانان دارای سابقه جرم به نسبت نوجوانان دیگر، سطح پایینی از تعاملات اجتماعی و همدلی با دیگران را از خود نشان دادند؛ همچنین آن‌ها از یک نظام ارزشی منفی از جمله لذت‌گرایی همراه با قدرت و کنترل بر دیگران برخوردار بودند؛ بنابراین این نتیجه حاصل شد که عاملی به‌عنوان هوش اجتماعی همراه با نظام ارزشی در شکل‌گیری تفکر و رفتار مجرمانه نقش بسزایی دارد.

1- Fix & Fix

2- Contreras & Cano

هوکوبان، آرجانتو و پاساریبو^۱ (2017) پژوهشی با هدف توسعه آموزش هوش اجتماعی بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی بر اساس ارزش‌های فلسفی انجام دادند؛ آن‌ها در این پژوهش به این نتیجه دست یافتند که تقویت ارزش‌هایی همچون عدالت، روابط برادرانه، صلح، تنوع، هماهنگی و تعادل، می‌تواند هوش اجتماعی در دانش‌آموزان را ارتقا دهد. منهیکا، استراتمن، لاندین، آگارد و دانلیسون^۲ (2021) در پژوهش خود با موضوع «ارتباط بین فقر در دوران کودکی و نوجوانی و اختلالات مصرف مواد مخدر و جرائم مرتبط با مواد مخدر در مراحل بعدی زندگی در سوئد»، به این نتیجه رسیدند که قرار گرفتن در معرض فقر در اوایل زندگی، خطر مشکلات مصرف مواد مخدر را در بزرگسالی افزایش می‌دهد؛ این ارتباطها به‌طور کامل با محل سکونت، منشأ یا سایر اختلالات روان‌پزشکی تبیین نمی‌شوند. پسر و دخترهایی که در سنین نوجوانی به سمت فقر می‌روند، در معرض بالاترین خطر ابتلا قرار دارند. لینک و آسر^۳ (2018) در تحقیق خود با عنوان «نقش رویدادهای استرس‌زای زندگی و عوامل فرهنگی بر تفکر جنایی در میان زنان آفریقایی آمریکایی درگیر در نظام عدالت کیفری»، که بر روی 418 نفر از زنان سیاه‌پوست انجام شد به این نتیجه رسیدند که تفکر جنایی ممکن است یک مکانیسم مقابله ناسازگار برای مدیریت عوامل استرس‌زا مانند نژادپرستی جنسیتی، استرس مالی، و از دست دادن شبکه‌ای باشد که در زمینه‌های اجتماعی متعدد برای زنان آفریقایی آمریکایی در زندان رخ می‌دهد. از سوی دیگر، این نتیجه حاصل شد که معنویت به‌عنوان یک میانجی در مقابله با تفکر جنایی عمل می‌کند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان داد، هرچند مطالعاتی به بررسی جداگانه هوش اجتماعی و احتمال ارتکاب جرم در نوجوانان خانواده‌های کم‌درآمد پرداخته‌اند؛ اما پژوهشی که به بررسی ارتباط بین هوش اجتماعی، نظام ارزشی و تفکر جنایی در نوجوانان خانواده‌های کم‌درآمد نپرداخته است. بیشتر مطالعات انجام‌شده نیز به‌صورت پیمایشی و همبستگی ارتباط بین دو یا چند

1- Hukubun, Tutupary & Pasaribu

2- Manhica, Straatmann, Lundin, Agardh & Danielsson

3- Link & Oser

متغیر در این حوزه را در نوجوانان خانواده‌های کم‌درآمد مورد بررسی قرار داده بودند و مطالعه‌ای یافت نشد که به صورت معادلات ساختاری ارتباط بین این سه متغیر را باهم مورد بررسی قرار دهد.

تفکر جنایی

تفکر جنایی مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهایی است که از جرم حمایت می‌کند و افراد را مستعد انجام یک رفتار مجرمانه خاص پس از یک فرایند تصمیم‌گیری می‌کند (اسکریگ-اسپویگ، مارتی-ویلار و گونزالس-ساللا، 2022، ص 2). تفکر جنایی در سبک زندگی مجرمانه افراد به صورت شیوه‌های معینی از تفکر که سبب ارتکاب رفتارهای مجرمانه همراه با تحریف و متمرکز بر توجیه و عقلانی‌سازی است (والترز^۱، 2003، ص 402)؛ این نظریه که با عنوان خنثی‌سازی شناخته می‌شود بیان می‌دارد که مجرمان، ارزش‌های جامعه خود را قبول دارند اما علت وقوع جرم در آنان، موقعیت‌هایی هستند که این نوجوانان را کنار هم جمع می‌کند؛ در واقع حضور در این تشکل‌ها یک احساس همبستگی به آنان دست می‌دهد که خود باعث می‌شود راحت‌تر با استرس‌های مواجهه با جرم کنار بیایند. از نظر ماتزا بزهکاران در عین حال که به ارزش‌های اخلاقی معتقدند، با استفاده از فنونی، خود را از قیدوبند این ارزش‌ها رهایی می‌بخشند. این فنون در مقابله با رفتار مجرمانه در پنج زمینه انکار کردن آسیب، انکار کردن قربانی، ابراز انزجار از سرزنش‌کنندگان، تقاضای وفاداری قومی و مسئولیت‌ناپذیری توصیف شده است (سایکز و ماتزا^۳، 1957، ص 667).

در ارتباط با تفکر جنایی نظریه‌ای با عنوان «سبک زندگی جنایی» در مورد جرم مطرح شد که بر نقش تفکر جنایی در حمایت، تقویت و حفظ رفتار مجرمانه بزرگسالان تأکید کرد (والترز، 1990، ص 45). تجزیه و تحلیل‌های اخیر نشان داده است که تفکر جنایی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد و هر

1- Escrig-Espuig, Martí-Vilar & González-Sala

2- Walters

3- Sykes & Matza

دسته را می‌توان به دو یا چند بعد تقسیم کرد (والترز، 2017، ص 217)؛ اولین طبقه شناخت ضداجتماعی روند تفکر مجرمانه، بیانگر نحوه تفکر مجرم و تقسیم آن به ابعاد همپوشانی تفکر مجرمانه فعال و واکنش پذیر است. بعد فعال شامل الگوهای شناختی برنامه‌ریزی شده، محاسبه شده، غیراخلاقی و ابزاری است؛ درحالی که بعد واکنشی با الگوهای فکری تکانشی، غیرمسئولانه، احساسی و بیانی مشخص می‌شود (والترز، 2007، ص 374). بنابراین، درحالی که تفکر مجرمانه فعال برای عمل در محیط طراحی شده است، تفکر مجرمانه واکنش‌پذیر واکنش شخص به یک محیط در حال تغییر است. دسته دوم شناخت ضداجتماعی، محتوای تفکر مجرمانه است که بیانگر آنچه یک مجرم فکر می‌کند است. محتوای اندیشه جنایی به سه بعد زیر تقسیم می‌شود: نگرش منفی نسبت به اقتدار، نگرش مثبت نسبت به انحراف و هویت مجرمانه (والترز و مورگان^۱، 2018، ص 605).

در ساخت نظریه فرایند تفکر جنایی، هشت سبک تفکر جنایی را مشخص شد: دلجویی، قطع، احساساتی‌بودن، استحقاق، قدرت‌محوری، خوش‌بینی بیش‌ازحد، رخوت شناختی و ناپیوستگی (والترز و وایت^۲، 1989، ص 457).

نظام ارزشی

نظام ارزشی فرد چارچوبی برای تعیین رفتار و واکنش فرد در هر موقعیتی است (شوارتز^۳، 1997، ص 73). به عبارتی دیگر به مجموعه کیفیت‌های مطلوب و درونی ساختار روان‌شناختی فرد که به‌عنوان اساسی‌ترین لایه شخصیت، شکل‌دهنده پایه‌های نظام نگرشی و رفتاری فرد است گفته می‌شود (لطف‌آبادی و نوروزی، 1383، ص 36). ارزش‌ها و نظام ارزشی از جنبه‌های مهم شخصیت هستند که پایه و اساس زندگی آدمی به‌شمار می‌روند. کیفیت زندگی، چگونگی رفتار و مناسبات افراد مستقیماً متأثر از نظام ارزش‌ها و اصول اخلاقی است که بدان پایبند می‌باشند (روحانی، ۱۳۹۱، ص ۵). هرچند عوامل محیطی همچون

1- Morgan

2- Walters & White

3- Schwartz

فقر می‌تواند عامل محرک در تفکر و رفتار جنایی باشد اما از آنجاکه نظام ارزشی افراد در نهایت معیار انتخاب و تصمیم‌گیری‌های او است، می‌توان آن را عامل مهم‌تر و تأثیرگذارتر به حساب آورد. ارزش‌ها به‌عنوان اصول راهنما در زندگی افراد، اهمیت آن‌ها بسته به موقعیت و شرایط متفاوت زندگی تغییر می‌یابد و تأثیر نافذ خود را در موقعیت‌های گوناگون به شکلی دیگر نشان می‌دهد (شوارتز¹، 1992، 1994، ص 4). در نتیجه این ارزش‌ها هستند که با وجود نامالیمات محیطی همچون فقر، یک عامل مهم و تأثیرگذار در جلوگیری از تفکر و رفتار مجرمانه به‌شمار می‌آیند. رفتارهای جنایی برخلاف هر نوع نظام ارزشی هستند که در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف وجود دارد. جرم و جنایت با ارزش‌هایی مانند درستی، صداقت، راست‌گویی و عدم آسیب به دیگران ارتباط دارد؛ بنابراین طبیعی است فرض کنیم زمانی که نظام ارزش در یک فرد قدرتمند باشد تمایل او به ارتکاب جرم و جنایت کمتر است و حتی کمتر به آن فکر می‌کند (والترز، 2017، ص 215). از طرفی دیگر، نظام ارزش‌های نیز نوعی نظام باور² است. شوارتز 10 نظام ارزشی را معرفی می‌کند از جمله: 1- خودفرمانی؛ هدف تعیین‌کننده: فکر و عمل مستقل - گزینش، آفرینش و کاوش؛ 2- انگیزش (تحریک) هدف تعیین‌کننده: هیجان، نوگرایی و چالش در زندگی؛ 3- لذت‌گرایی؛ هدف تعیین‌کننده: لذت یا کامروایی نفسانی برای خود؛ 4- دست‌یابی؛ هدف تعیین‌کننده: موفقیت شخصی از راه بروز شایستگی براساس استانداردهای اجتماعی؛ 5- قدرت؛ هدف تعیین‌کننده: منزلت و پایگاه اجتماعی، کنترل یا سلطه بر مردم و منابع؛ 6- امنیت؛ هدف تعیین‌کننده: ایمنی، هماهنگی و پایداری جامعه، روابط، و خود؛ 7- انطباق؛ هدف تعیین‌کننده: پرهیز از کنش‌ها، گرایش‌ها، و تکانه‌ها؛ 8- سنت‌گرایی؛ هدف تعیین‌کننده: حفظ حرمت، پایبندی، و پذیرش رسوم و آموزه‌هایی که دین و فرهنگ در اختیار فرد قرار می‌دهد؛ 9- خیرخواهی؛ هدف تعیین‌کننده: حفظ و ارتقای رفاه افرادی که شخص غالباً با آن‌ها رابطه شخصی دارد

1- Schwartz

2- Belief system

(درون گروهی). 10- کلی‌گرایی؛ هدف تعیین‌کننده: درک، تقدیر، رواداری و حمایت از رفاه همهٔ مردم و طبیعت.

هوش اجتماعی

هوش اجتماعی ظرفیتی است که با تأمل در مورد خود، همراه با درک بیشتر از دنیای اجتماعی فرد و همچنین انگیزه‌های تقویت‌شده برای تمرکز و توجه بیشتر نسبت به دیگران را فراهم می‌سازد (کیلستروم و کانتور¹، ۲۰۱۱، ص ۵۶۸). هوش اجتماعی، جدیدترین تحول در زمینهٔ فهم ارتباط میان تعقل و احساسات است. علی‌رغم دیدگاه‌های اولیه، نگاه واقع‌بینانه به ماهیت انسان نشان می‌دهد که انسان نه منطق صرف است و نه عاطفه (احساس) صرف، بلکه ترکیبی از هر دو است؛ بنابراین توانایی شخص برای سازگاری و چالش در زندگی به عملکرد منسجم قابلیت‌های عاطفی یا اجتماعی و منطقی وی وابسته است. از این‌رو، شخصیت یک فرد در زندگی، زایندهٔ استعدادها و عاطفی نهفته است نه ضریب هوشی. آنچه مسلماً در مورد افراد موفق در زمینهٔ اجتماعی می‌دانیم این است که لزوماً آن‌ها باهوش‌ترین فرد جامعه از لحاظ ضریب هوشی نیستند، بلکه آن‌ها شعور اجتماعی بالاتری نسبت به دیگران دارند و به همین وسیله افراد را به سمتی که در نظر دارند سوق می‌دهند. باید گفت رمز نفوذ آن‌ها بر افراد نیز همین نکته است. زندگی اجتماعی برای انطباق با تغییرات و به‌منظور بقا و رشد در محیط‌های جدید، ویژگی‌های خاصی را می‌طلبد که عموماً افراد برای پاسخ به آن‌ها با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند (عزیزی‌نژاد، مددی کوجکه یاران و جنا آبادی، 1393، ص 324).

اگرچه اصطلاح هوش یک توانایی پایدار را نشان می‌دهد، بیشتر محققان هوش اجتماعی را نه به‌عنوان یک ویژگی ثابت مانند ضریب هوشی، بلکه مجموعه‌ای سازمان‌یافته از اصول شناختی تعریف می‌کنند که اجازه قضاوت دقیق و انتخاب‌های عاقلانه در تعاملات فرد را می‌دهد (کیلستروم و کانتور، ۲۰۱۱، ص ۵۶۸). تنش‌های روانی با پیوندهای اجتماعی از دست‌رفته یا

1- Kihlstrom & Cantor

تهدیدآمیز ارتباط دارند و افرادی که ارتباط اجتماعی سالمی ندارند، بیشتر در معرض رفتارهای مخاطره‌آمیز قرار می‌گیرند (بونانو و هایمل^۱، 2010، ص 426). هوش اجتماعی دارای سه مؤلفه است که عبارت‌اند از: 1) پردازش اطلاعات اجتماعی که به توانایی فرد و پیش‌بینی رفتار و احساسات دیگران تأکید دارد؛ 2) آگاهی اجتماعی که توانایی فعالانه رفتار کردن مطابق با موقعیت، زمان و مکان را اندازه‌گیری می‌کند؛ 3) مهارت‌های اجتماعی که جنبه‌های رفتاری، مهارت‌های ارتباطی بنیادی عمل کردن جسورانه و برقراری، نگهداری و شکستن رابطه را اندازه‌گیری می‌کند (سلیمانی، افزود، صادقی و سلم‌آبادی، 1400، ص 18).

افراد با هوش اجتماعی، مسئولیت اجتماعی بالاتری دارند و حقوق دیگران را محترم می‌شمارند که این خود نشان‌دهنده ارتباط منفی هوش اجتماعی با تفکر جنایی است. برعکس، افراد با تفکر جنایی بالا، نسبت به حقوق دیگران بی‌توجه‌اند و برای رسیدن به منفعت خود حقوق دیگران را زیر پا می‌گذارند. افراد باهوش اجتماعی بالا، به دنبال ارتباط صمیمی و همدلانه با دیگران هستند که یک نوع ارزش خیرخواهانه تلقی می‌شود (بابو^۲، ۲۰۱۵، ص ۳۸) و نشان‌دهنده همبستگی مثبت هوش اجتماعی و نظام ارزشی است. مشخص - نمودن یک نظام ارزشی واحد و منسجم در فرد می‌تواند آگاهی و شناخت اجتماعی او را بالا ببرد و در واقع او را از لحاظ اجتماعی باهوش کند. با توجه به این توضیحات، هوش اجتماعی، می‌تواند یک نقش میانجی در ارتباط بین نظام ارزشی فرد و تفکر جنایی داشته باشد. زمانی که فرد هوش اجتماعی داشته باشد، بهتر می‌تواند نظام ارزشی خود را به کار بندد و برعکس. افراد با هوش اجتماعی بالا، نظام ارزشی قدرتمندتری دارند که شامل ارزش‌های اجتماعی و انسان‌دوستانه نیز می‌شود. هوش اجتماعی به آن‌ها کمک می‌کند تا ارزش‌های صحیح زندگی خود را تشخیص دهند (کانتراس و کانو^۳، ۲۰۱۶، ص ۱۱۷). آن‌ها چون تعامل بیشتری با دیگران دارند، ارزش‌های خود را همواره با دیگران

1- Bonanno & Hymel

2- Babu

3- Contreras & Cano

به بحث می‌گذارند و تعهد بیشتری نسبت به ارزش‌ها دارند؛ بنابراین هوش اجتماعی، به فرد کمک می‌کند به نظام ارزشی مستحکم‌تری تکیه بزند و در نتیجه کمتر سراغ نظام ضد ارزشی مانند نظام تفکر جنایی برود (پاچالسکا، لدووک، مسکالا، زینیویچ، مانکو و پولاک^۱، ۲۰۱۲، ص ۲۲۱). همان‌طور که در بالا اشاره شد، بعضی از گروه‌ها مانند گروه‌های افراطی مذهبی و بنیادگرا، ممکن است نظام تفکر جنایی خود را توجیه کنند و ارزشمند جلوه دهند؛ بنابراین هوش اجتماعی، می‌تواند با تقویت نظام ارزشی، تفکر جنایی را در افراد اصلاح کند. از طرفی دیگر، هوش اجتماعی در حضور تفکر ارزش‌ها تجلی بهتری پیدا می‌کند. یکی از تعریف‌های هوش اجتماعی به معنای نحوه صحیح به‌کاربردن ارزش‌ها در موقعیت‌های مختلف زندگی است. اینکه فرد بتواند تشخیص دهد در مواجهه با یک مسئله اجتماعی یا در مقابل انواع رفتارهای دیگران چه نوع ارزشی را استفاده کند (لیونز و چان^۲، ۲۰۱۷، ص ۳۴۸). به‌عبارتی دیگر، در حضور هوش اجتماعی، ارزش‌ها بهتر به سمت ارزش‌های انسان‌دوستانه هدایت می‌شود و فرد از گرایش به تفکرهای ضد ارزشی مانند آسیب به دیگران، قلدری و رفتارهای مجرمانه بازداشته می‌شود (جواجیندا، استیرامون و اکپانیاسکول^۳، ۲۰۲۱، ص ۳۴۰). بنابراین هوش اجتماعی همراه با نظام ارزشی، عاملی تأثیرگذار در جلوگیری از تفکر و رفتار مجرمانه است و می‌تواند در این بین نقش میانجی داشته باشد.

روش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی و از نوع همبستگی و مدلیابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان دختر و پسر متوسطه دوره دوم خانواده‌های تحت پوشش نهادهای حمایتی (کمیته امداد و بهزیستی) بود که در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ در شهرستان قلعه‌گنج مشغول به تحصیل بودند. از این میان، 319 دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری

1- Pačalska, Ledwoch, Moskała, Zieniewicz, Mańko & Polak

2- Lievens & Chan

3- Jueajinda, Stirammon & Ekpanyaskul

در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. برای سنجش متغیرها از پرسش-نامه‌های تفکر جنایی^۱، هوش اجتماعی ترومسو^۲ و نظام ارزشی شوارتز^۳ استفاده شد؛ همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از میانگین، انحراف معیار و مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نسخه 24 نرم‌افزار SPSS و AMOS استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

جدول ۱. فراوانی متغیرهای جنسیت و پایه تحصیلی در شرکت‌کنندگان پژوهش

| متغیر | طبقه | فراوانی | درصد | متغیر | طبقه | فراوانی | درصد | |
|-------------|-----------|---------|-------|-------|------|---------|------|--|
| پایه تحصیلی | دهم | 159 | 49/8 | جنسیت | پسر | 163 | 51/1 | |
| | یازدهم | 131 | 41/1 | | دختر | 156 | 48/9 | |
| پایه تحصیلی | دوازدهم | 28 | 8/8 | جمع | جمع | 319 | 100 | |
| | بدون جواب | 1 | 0/3 | | | | | |
| | جمع | 319 | 100/0 | | | | | |

جدول 2. میانگین و انحراف معیار سن و تعداد فرزندان خانواده در شرکت‌کنندگان

| متغیر | کمترین | بیشترین | میانگین | انحراف معیار |
|---------------------|--------|---------|---------|--------------|
| سن | 15 | 20 | 16/85 | 0/844 |
| تعداد اعضای خانواده | 2 | 13 | 6/92 | 2/044 |

- 1- Criminal Thought Scale
- 2- Tromsø Social Intelligence Scale
- 3- Schwartz Value System Scale

جدول 3. میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه

| متغیر | خرده مقیاس | میانگین | انحراف معیار | متغیر | خرده مقیاس | میانگین | انحراف معیار |
|-------------|---------------------|---------|--------------|-------------------|------------|---------|--------------|
| رشد و تکامل | مهارت اجتماعی | ۱۷/۳۷ | ۳/۲۳۲ | نظام ارزشی | خودفرمانی | ۳/۹۷ | ۱/۳۱ |
| | آگاهی اجتماعی | ۲۲/۰۶ | ۴/۵۱۴ | | کلی‌گرایی | ۴/۱۸ | ۱/۰۴ |
| | پردازش اطلاعات | ۲۵/۹۸ | ۴/۴۵۶ | | خیرخواهی | ۴/۵۲ | ۱/۱۸ |
| | نمره کل هوش اجتماعی | ۶۵/۴۴ | ۹/۹۲۰ | | سنت‌گرایی | ۴/۱۲ | ۱/۱۳ |
| | عدم دلجویی | ۲/۰۵ | ۰/۵۵ | | انطباق | ۴/۰۲ | ۱/۱۹ |
| | قطع | ۱/۷۹ | ۰/۴۴ | | امنیت | ۴/۷۰ | ۱/۲۱ |
| | استحقاق | ۲/۲۶ | ۰/۶۳ | | قدرت | ۳/۶۲ | ۱/۴۵ |
| | قدرت‌محوری | ۳/۴۸ | ۰/۶۰ | | دستیابی | ۴/۴۴ | ۱/۳۱ |
| | احساساتی‌بودن | ۱/۷۴ | ۰/۵۹ | | لذت‌گرایی | ۳/۳۷ | ۱/۳۰ |
| | خوش‌بینی بیش‌ازحد | ۱/۸۵ | ۰/۵۵ | | تحریک | ۳/۹۷ | ۱/۴۳ |
| رشد و تکامل | رخوت‌شناسی | ۱/۸۸ | ۰/۵۶ | نمره کل نظام ارزش | ۴/۰۶ | ۰/۷۵ | |
| | ناپیوستگی | ۱/۹۹ | ۰/۵۳ | | | | |
| | نمره کل تفکر جنایی | ۲/۰۰ | ۰/۳۶ | | | | |

جدول 4. نتایج آزمون کلوموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال‌بودن توزیع نمرات متغیرها

| متغیر | آماره | درجه آزادی | معنی‌داری |
|-------------|-------|------------|-----------|
| هوش اجتماعی | ۰/۰۴۹ | ۳۱۹ | ۰/۰۹۸ |
| تفکر جنایی | ۰/۰۳۶ | ۳۱۹ | ۰/۲۵۳ |
| نظام ارزشی | ۰/۰۴۱ | ۳۱۹ | ۰/۱۶۸ |

مطابق با جدول 4، نرمال‌بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلوموگروف - اسمیرنوف مورد تأیید قرار گرفت. نتایج آزمون نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای هر سه متغیر بالای $p=0/05$ است در نتیجه می‌توان گفت که

نمودار توزیع متغیرهای پژوهش با نمودار نرمال تفاوت معنی‌داری ندارد و توزیع متغیرهای پژوهش در جامعه نرمال است.

یافته‌های استنباطی

برای تحلیل مدل پیش‌فرض پژوهش از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور استفاده شد، برآوردهای مربوط به شاخص‌های برازش کلیت مدل و پارامتر اصلی (اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر تفکر جنایی) در نمودار ۲ و جداول ۵ و ۶ گزارش شده است. شاخص‌های برازش در مدل اولیه هرچند به برازش بسیار نزدیک بود، اما در برخی از شاخص‌ها به معیار مطلوب نرسیده بود؛ بنابراین با انجام شاخص اصلاح مدل و برقراری چندکوریانس بین متغیرهای خطای مربوط به خرده‌مقیاس‌های یک متغیر، شاخص‌های برازش به حد مطلوب رسید که در جدول 6 نشان داده شده است.

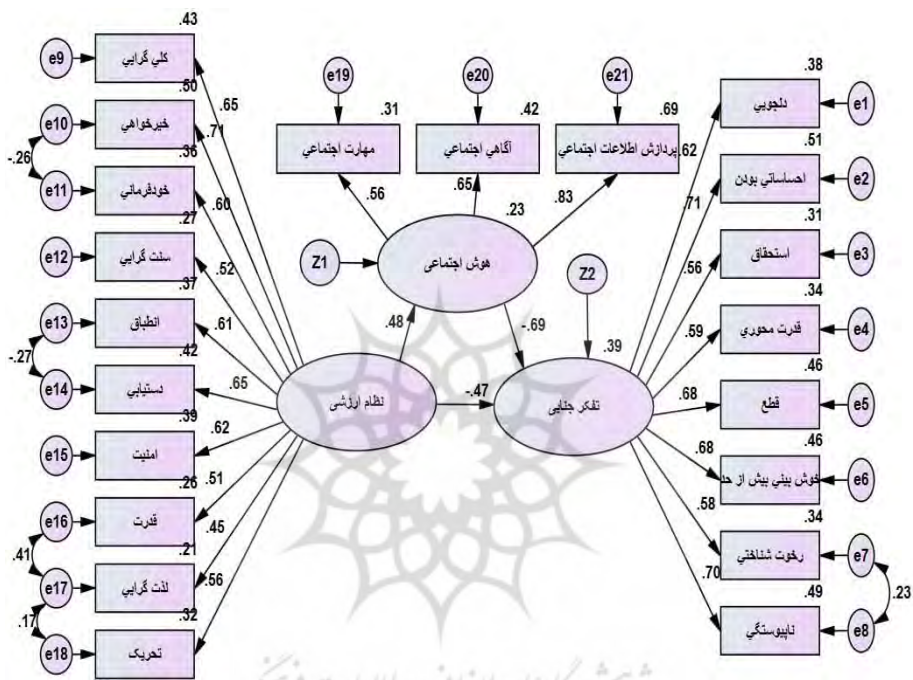
جدول 5. شاخص‌های برازش مدل

| شاخص‌ها | χ^2 | df | sig | χ^2/df | GFI | IFI | CFI | RMSEA |
|---------|----------|-----|-------|-------------|-------|-------|-------|-------|
| مقدار | 369/99 | 181 | 0/001 | 2/044 | 0/900 | 0/914 | 0/913 | 0/057 |

همان‌طور که در جدول 5 مشاهده می‌شود، مقدار χ^2/df دو معنی‌دار است ($p < 0/05$) که برای برازش مدل مناسب نیست؛ اما در مدل مدلی‌هایی که در آن تعداد شرکت‌کنندگان و تعداد مسیرهای مدل و در نتیجه درجات آزادی مدل بالاست، احتمال بسیار بالایی وجود دارد که χ^2/df دو معنی‌دار شود؛ بنابراین در این موارد به نسبت χ^2/df دو به درجه آزادی مراجعه می‌شود و موارد کمتر از 3 مطلوب تلقی می‌شوند. در این پژوهش $CMIN/DF=2/04$ به دست آمد که کوچک‌تر از 3 بود. تمامی شاخص‌های برازش مدل نیز به معیار مطلوب برای برازش رسیده‌اند. شاخص‌های نیکویی برازش¹ (GFI) شاخص برازش هنجار شده² (NFI)، شاخص برازش نسبی³ (RFI)، شاخص برازش افزایشی⁴

1. Goodness of Fit Index (GFI)
2. Normal Fit Index (NFI)
3. Relative Fit Index (RFI)
4. Incremental Fit Index (IFI)

(IFI)، شاخص برازش تطبیقی^۱ (CFI) همگی بالای 0/90 هستند که برای برازش مدل مطلوب تلقی می‌شوند. ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۲ (RMSEA) نیز 0/057 به دست آمد که مطلوب تلقی می‌شود و ملاک زیر 0/08 است، (قاسمی، 1389). با توجه به شاخص‌های برازش، می‌توان گفت مدل آزمون شده برازش مطلوب لازم را دارا بوده است.



نمودار 2. ضرایب مسیر در مدل برازش شده

ضرایب مسیر در مدل برازش شده نشان می‌دهد که نظام ارزش تأثیر مثبتی بر هوش اجتماعی ($\beta=0/48, p<0/001$) شرکت‌کنندگان پژوهش داشته است. هوش اجتماعی ($\beta=-0/69, p<0/001$) و نظام ارزشی ($\beta=-0/47, p<0/001$) هر دو تأثیر منفی بر تفکر جنایی در شرکت‌کنندگان پژوهش داشته است. تمام ضرایب مدل اندازه‌گیری (ضرایب مسیر خرده مقیاس‌ها به متغیر مکنون) نیز بالای 0/40 هستند که مطلوب تلقی می‌شوند.

1. Comparative Fit Index (CFI)
2. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

جدول 6. برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر تفکر جنایی در مدل معادله ساختاری

| متغیر مستقل | متغیر میانجی | متغیر وابسته | ضریب تعیین | برآورد | | کل |
|-------------|--------------|--------------|------------|-----------|--------|--------|
| | | | | غیرمستقیم | مستقیم | |
| | | | | مقدار | مقدار | |
| نظام ارزشی | - | هوش اجتماعی | 0/23 | 0/476 | 0/001 | 0/476 |
| هوش اجتماعی | - | تفکر جنایی | 0/39 | 0/692 | 0/001 | 0/692 |
| نظام ارزشی | هوش اجتماعی | | | -0/472 | 0/001 | -0/143 |

به منظور بررسی ضرایب غیرمستقیم از روش بوت استراپ استفاده شد که ضرایب آن در جدول 6 آورده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ضریب غیرمستقیم تأثیر نظام ارزشی بر تفکر جنایی از طریق هوش هیجانی معنی‌دار است ($\beta = 0/33, p < 0/001$). به عبارتی دیگر، نظام ارزشی نه تنها خود به طور مستقیم بر تفکر جنایی تأثیر منفی دارد بلکه به طور غیرمستقیم از طریق اثرگذاری بر هوش اجتماعی، موجب کاهش تفکر جنایی می‌شود و نقش میانجی هوش اجتماعی در ارتباط بین نظام ارزشی و تفکر جنایی معنی‌دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی هوش اجتماعی در ارتباط بین نظام ارزشی و تفکر جنایی در نوجوانان خانواده‌های تحت پوشش نهادهای حمایتی انجام شد؛ رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور نشان داد که نظام ارزشی شرکت‌کنندگان با تفکر جنایی آن‌ها رابطه منفی معنی‌داری دارد. پژوهشی که به طور مستقیم رابطه بین متغیر متغیرهای این پژوهش را مورد بررسی قرار دهد یافت نشد؛ بنابراین از پژوهش‌هایی که هر یک از متغیرها را مورد بررسی قرار داده برای تبیین یافته‌ها استفاده شد.

جنایت شیوه‌ای از زندگی است که با سیستم اعتقادات و نگرش‌های مجرمانه همراه است و دلالت بر توجیه و عقلانی‌شدن رفتار مجرمانه دارد (والترز، 2006، ص 23)؛ در واقع جنایت در ذهن افراد مجرم تبدیل به نوعی از ارزش شده است؛ پایبندی به ارزش‌ها و هنجارها بر ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز تأثیر می‌گذارد. در تحقیقی با هدف پیش‌بینی رفتار غیرقانونی در بین دانشجویان، این نتیجه حاصل شد که تفکر مجرمانه می‌تواند پیش‌بینی خوبی برای رفتارهای غیرقانونی و مجرمانه باشد (فیکس و فیکس، 2015). همچنین یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن بود که هوش اجتماعی افراد با تفکر جنایی رابطه منفی معنی‌داری دارد. در همین راستا مظفری و همکاران (1398)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که کاهش در روابط بین خانواده و دوستان، نگرش مثبت نوجوانان به جرم و وجود همدستان مشکل‌دار، شرایط را برای بی‌نظمی و ناهنجاری اجتماعی فراهم نموده، که زمینه بی‌سازمانی اجتماعی و بزهکاری نوجوانان را مهیا می‌کند.

یافته‌هایی درباره نظام ارزشی و هوش اجتماعی نشان داد بین این دو متغیر ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد؛ در همین راستا پژوهشی توسط هوکوبان و همکاران (2017) با هدف توسعه آموزش هوش اجتماعی بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی بر اساس ارزش‌های فلسفی انجام شد؛ آن‌ها در این پژوهش به این نتیجه دست یافتند که تقویت ارزش‌هایی همچون عدالت، روابط برادرانه، صلح، نوع، هماهنگی و تعادل، می‌تواند هوش اجتماعی در دانش‌آموزان را ارتقا دهد.

در نهایت یافته‌ها نشان داد که نقش میانجی هوش اجتماعی در ارتباط بین نظام ارزشی و تفکر جنایی معنی‌دار است. به عبارتی دیگر نظام ارزشی علاوه بر اینکه به‌طور مستقیم می‌تواند کاهش تفکر جنایی را به همراه داشته باشد، با تأثیرگذاری و افزایش هوش اجتماعی افراد، می‌تواند منجر به کاهش تفکر جنایی در آن‌ها شود. طبق نتایج پژوهش کنتراس و کانو (2016)، نوجوانان دارای سابقه جرم به نسبت نوجوانان دیگر، سطح پایینی از تعاملات اجتماعی و همدلی با دیگران را از خود نشان دادند؛ همچنین آن‌ها از یک نظام ارزشی منفی از جمله لذت‌گرایی همراه با قدرت و کنترل بر دیگران برخوردار بودند. در

تحقیقی دیگر ربیعی و همکاران (1399) به این نتیجه رسیدند که هوش اجتماعی بر ابعاد اخلاقی، اقتصادی و قانونی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانشجویان فراجا، بسیار اثرگذار است. رضادوست و همکاران (1400) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که فراهم‌نمودن مؤلفه‌هایی همچون اعتماد اجتماعی، بهبودی در کیفیت و اوضاع فیزیکی - اجتماعی شهر و همچنین توجه و تأکید بیشتر بر امنیت زنان می‌تواند احساس امنیت اجتماعی را بین شهروندان به مراتب افزایش دهد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عاملی به‌عنوان هوش اجتماعی همراه با نظام ارزشی در شکل‌گیری تفکر و رفتار مجرمانه نقش بسزایی دارد.

پیشنهادها

- دوره‌های آموزشی جهت تقویت نظام ارزشی و هوش اجتماعی دانش‌آموزان خانواده‌های کم‌درآمد توسط تحت پوشش نهادهای حمایتی برگزار شود تا گرایش آن‌ها به تفکر جنایی که ممکن است ناشی از شرایط فقر خانواده و شرایط نامناسب محیطی آن‌ها ایجاد شود، کاهش یابد.
- آموزش و پرورش در قالب دوره‌های فرهنگی - تربیتی، کلاس‌های پرورشی و اردوهای تربیتی، برنامه‌هایی را جهت تقویت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی برای دانش‌آموزان خانواده‌های کم‌درآمد برگزار کند. همچنین ارائه برخی از خدمات حمایتی به خانواده دانش‌آموزان می‌تواند منوط به دریافت آموزش‌هایی جهت نحوه تربیت اجتماعی و ارزشی کودک توسط مادر شود.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از شرکت‌کنندگان پژوهش اعلام می‌دارند. همچنین از همه مسئولین آموزش و پرورش، کمیته امداد امام خمینی (ره) و اداره بهزیستی شهرستان قلعه‌گنج که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

— اسکندری چراتی، آذر. (1396). بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان (مطالعه موردی: نوجوانان پسر 13 تا 19 سال شهر آزادشهر). *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، 13(4)، 185-206. قابل بازیابی از:

https://jlap.srbiau.ac.ir/article_12600.html

— ربیعی، داود؛ مدبری، بهنام و محمودی، محمود. (1399). تدوین مدل ارتباطی هوش اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان ورزشکار دانشگاه علوم انتظامی امین). *نشریه علمی انتظام اجتماعی*، 12(3)، 27-50. قابل بازیابی از:

http://sopra.jrl.police.ir/article_94652.html

— رضادوست، کریم؛ زکوی، اسماعیل و عسکری، احسان. (1400). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: ساکنان ناحیه 2 شهر اهواز). *نشریه علمی انتظام اجتماعی*، 13(2)، 185-616. قابل بازیابی از:

http://sopra.jrl.police.ir/article_96850.html

— روحانی، عاطفه. (۱۳۹۱). *مقایسه بلوغ عاطفی و نظام ارزشی جوانان و میانسالان شهرکرد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه آزاد. واحد مرودشت.

— سلیمانی، ابراهیم؛ افزود، عبدالرضا؛ صادقی، میثم، سلم‌آبادی، مجتبی. (1400). تعیین سهم مؤلفه‌های هوش اجتماعی و تاب‌آوری در پیش‌بینی اضطراب کرونا در دانشجویان. *مجله علمی پژوهان*، 19(4)، 16-24. قابل بازیابی از:

<https://psj.umsha.ac.ir/article-1-789-fa.html>

– عزیزی‌نژاد، بهاره؛ مددی کوجبه یاران، فاطمه و جنا آبادی، حسین. (1393). رابطه عملکرد آموزشی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه های علوم پزشکی با هوش اجتماعی. *دو ماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، 7(5)، 327-323. قابل بازیابی از:

<http://edcbmj.ir/article-1-727-fa.html>

– لطف‌آبادی، حسین و نوروزی، وحیده. (1383). نظریه‌پردازی و مقیاس سازی برای سنجش نظام ارزشی به‌منظور بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر نظام ارزشی دانش‌آموزان نوجوان ایران. *فصلنامه علمی - پژوهشی نوآوری‌های آموزشی*، 3(1)، 33-59. قابل بازیابی از:

http://noavaryedu.oerp.ir/article_78744.html

– مظفری، محمدمهدی؛ روشن‌قیاس، کلثوم؛ بلباسی، محرمعلی. (1398). بررسی رابطه بین مدیریت بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌نظمی ناهنجاری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان شهر قزوین. *نشریه علمی انتظام اجتماعی*، 11(1)، 97-118. قابل بازیابی از:

http://sopra.jrl.police.ir/article_110657.html

– Babu, M. S. (2015). Social intelligence, aggressive behaviour, and psychological problems among scheduled caste students of rural schools. *GYANODAYA-The Journal of Progressive Education*, 8(1), 35-54. Retrieved from:

<https://doi.org/10.5958/2229-4422.2015.00005.5>

– Bonanno, R. A., & Hymel, S. (2010). Beyond hurt feelings: Investigating why some victims of bullying are at greater risk for suicidal ideation. *Merrill-Palmer Quarterly (1982-)*, 420-440. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1353/mpq.0.0051>

– Contreras, L., & Cano, M. C. (2016). Social competence and child-to-parent violence: Analyzing the role of the emotional

- intelligence, social attitudes, and personal values. *Deviant behavior*, 37(2), 115-125. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1080/01639625.2014.983024>
- Escrig-Espuig, J. M., Martí-Vilar, M., & González-Sala, F. (2022). Criminal Thinking: Exploring its Relationship with Prosocial Behavior, Emotional Intelligence, and Cultural Dimensions. *Anuario de Psicología Jurídica*, 1-7. Retrieved from:
<https://doi.org/10.5093/apj2022a2>
 - Fix, R. L., & Fix, S. T. (2015). Trait psychopathy, emotional intelligence, and criminal thinking: Predicting illegal behavior among college students. *International journal of law and psychiatry*, 42, 183-188. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1016/j.ijlp.2015.08.024>
 - Goleman, D. (1995), *Emotional Intelligence, why is can matter more than IQ*. New York: bantam book. Retrieved from:
<https://www.amazon.com/Emotional-Intelligence-Matter-More-Than/dp/055338371>
 - Hogg, M. A., & Smith, J. R. (2007). Attitudes in social context: A social identity perspective. *European Review of Social Psychology*, 18, 89–131. Retrieved from:
<https://doi.org/10.1080/10463280701592070>
- Hughes, A. L. (2009). *Criminal thinking and drug treatment entry among federal inmates*. University of Louisville. Retrieved from:
https://books.google.com/books/about/Criminal_Thinking_and_Drug_Treatment_Ent.html?id=vHjRYgEACAAJ
- Hukubun, N., Tutupary, V., & Pasaribu, N. (2017, November). Development of Social Intelligence Training Manual For Senior High School Student Related The Philosophical Values of Siwalima. In *Proceeding*

International Seminar on Education (Vol. 1). Retrieved from:

<https://ojs.unpatti.ac.id/index.php/ises/article/view/122>

– Jueajinda, S., Stiramon, O., & Ekpanyaskul, C. (2021). Social intelligence counseling intervention to reduce bullying behaviors among Thai lower secondary school students: a mixed-method study. *Journal of preventive medicine and public health*, 54(5), 340. Retrieved from:

<https://doi.org/10.3961/jpmph.21.110>

– Kihlstrom J, Cantor N. (2011). Social intelligence. In: Sternberg R, Kaufman SB, editors. *The Cambridge handbook of intelligence*. Cambridge, UK: Cambridge University Press; pp. 564–581. Retrieved from:

https://www.ocf.berkeley.edu/~jfkihlstrom/PDFs/2010s/2011/KihlstromCantor_SocialIntelligence_3e_2011.pdf

– Link, T. C., & Oser, C. B. (2018). The role of stressful life events and cultural factors on criminal thinking among African American women involved in the criminal justice system. *Criminal justice and behavior*, 45(1), 8-30. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1177/0093854817736083>

– Lievens, F., & Chan, D. (2017). Practical intelligence, emotional intelligence, and social intelligence. *Handbook of employee selection*, 342-364. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1080/14789949.2015.1134625>

– Lopez, V. A., & Emmer, E. T. (2002). Influences of beliefs and values on male adolescents' decision to commit violent offenses. *Psychology of Men & Masculinity*, 3(1), 28-40. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1037/1524-9220.3.1.28>

– Manhica, H., Straatmann, V. S., Lundin, A., Agardh, E., & Danielsson, A. K. (2021). Association between poverty

exposure during childhood and adolescence, and drug use disorders and drug-related crimes later in life. *Addiction*, 116(7), 1747-1756. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1111/add.15336>

– Pačalska, M., Ledwoch, B., Moskała, M., Zieniewicz, K., Mańko, G., & Polak, J. (2012). Social intelligence and adequate self-expression in patients with orbitofrontal cortex injury and in the criminals. *Medical Science Monitor: International Medical Journal of Experimental and Clinical Research*, 18(6), CR368. Retrieved from:

<https://doi.org/10.12659/msm.882906>

– Schwartz, S. H (2006). A theory of cultural value orientation Expiction and application. *Comparative sociology*. Retrieved from:

https://www.researchgate.net/publication/304824378_A_theory_of_cultural_value_orientations_Explication_and_applications

– Schwartz, S. H. (1997). Values and culture. In D. Munro, J. F. Schumaker, & S. C. Carr (Eds.), *Motivation and culture* (pp. 69–84). Routledge. Retrieved from:

<https://psycnet.apa.org/record/2003-88381-005>

– Schwartz, S. H. (1992). Universals in the content and structure of values: Theoretical advances and empirical tests in 20 countries. In *Advances in experimental social psychology* (Vol. 25, pp. 1-65). Academic Press. Retrieved from:

[https://doi.org/10.1016/S0065-2601\(08\)60281-6](https://doi.org/10.1016/S0065-2601(08)60281-6)

– Schwartz, S.H. (1994). Beyond Individualism/Collectivism: New Cultural Dimensions of Values. In: Kim U, Triandis HC, Kagitcibasic, Choi SC, Yoon G, Editors. *Individualism and Collectivism: Theory, Method and Applications*. Thousand Oaks, CA Sage, 85-119. Retrieved from:

<https://psycnet.apa.org/record/1996-97151-003>

- Sykes, G. M., & Matza, D. (1957). Techniques of neutralization: A theory of delinquency. *American sociological review*, 22(6), 664-670. Retrieved from: <https://doi.org/10.2307/2089195>
- Walters, G. D. (1990). The criminal lifestyle: patterns of serious criminal conduct. Newbury Park, CA: Sage. Retrieved from: <https://dx.doi.org/10.4135/9781483325569>
- Walters, G. D. (2003). Changes in criminal thinking and identity in novice and experienced inmates: Prisonization revisited. *Criminal Justice and Behavior*, 30(4), 399-421. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/0093854803253137>
- Walters, G. D. (2006). Proactive and reactive composite scales for the psychological inventory of criminal thinking styles. *Journal of Offender Rehabilitation*, 42(2), 23–36. Retrieved from: https://doi.org/10.1300/J076v42n04_02
- Walters, G. D. (2007). Measuring proactive and reactive criminal thinking with the PICTS: Correlations with outcome expectancies and hostile attribution biases. *Journal of Interpersonal Violence*, 22(4), 371-385. Retrieved from: <https://doi.org/10.1177/0886260506296988>
- Walters, G. D. (2017). Modelling the criminal lifestyle: theorizing at the edge of chaos. London: Palgrave Macmillan. Retrieved from: <https://www.amazon.com/Modelling-Criminal-Lifestyle-Theorizing-Criminology-ebook/dp/B077R1C2VZ>
- Walters, G. D., & Morgan, R. D. (2018). Assessing criminal thought content: preliminary validation of the criminal thought content inventory (CTCI). *Psychology, Crime & Law*, 24(6), 603-620. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1080/1068316X.2017.1396333>

– Walters, G. D., & White, T. W. (1989). Heredity and crime: Bad genes or bad research?. *Criminology*, 27(3), 455-485. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.1989.tb01042.x>

– Walters, G. D. (2002). *Criminal Belief Systems: An Integrated-Interactive Theory of Lifestyles*. Westport, CT: Praeger. Retrieved from:

<https://psycnet.apa.org/record/2003-00315-000>

– Zautra, E. K., Zautra, A. J., Gallardo, C. E., & Velasco, L. (2015). Can we learn to treat one another better? A test of a social intelligence curriculum. *PloS one*, 10(6), e0128638. Retrieved from:

<https://doi.org/10.1371/journal.pone.0128638>

